

# روزنامه شهردار

<b>روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</b>
<b>سه‌شنبه ۲۸ دی ۱۴۰۰_ ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۴۳_ ۱۸ ژانویه ۲۰۲۲- شماره ۱۸۶۳ - سال ششم</b> <p>۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربرب کیفی ۶۷۴</p> <b>hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli</b>
<b>صاحب امتیاز: مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان</b> <p><b>چاپ: ۴۴۵۳۳۷۲۵ -۰۲۱</b></p> <b>نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳</b> <p><b>تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۱</b></p>
<b>سردبیر: فضل‌الله باری</b> <p><b>توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰</b></p>

## جستارهای روز

## کاغذ سپید، کلاه من و این فضاهای کافکایی زیر پوست شهر



علی داریا

جستارنویس

– هر کس وسوسه‌های خودش را دارد، پیشترها سروده بودم؛ وسوسه‌های من است کاغذ سپید، شخم می‌زنم و بر شیارهای آن دانه‌دانه واژه می‌کارم. اصلاً سطح سپید، لباس سپید، اسب سپید، آدم سفیدبخت، دشت‌های لبرزی را دوست دارم، چون که بومد پیراهن سپید یقه‌گرد می‌پوشیدم، از شما چه پنهان شیفته رشته الهیات هم بودم اما بعد سسر از هنر در آوردم که بماند هرچند هنوز هم در زرفاها میان الهیات به مفهوم ناب کلمه و نه آمیخته با اغراض مادی محض با هنر بازم به مفهوم ناب خودش پیوندی می‌یابم، بعدها دیدم در این شهر درندشت دودل‌وود پیراهن سفید من که سهل است پرنده‌های رنگ‌برنگ هم دود می‌زنند و یادم هست که آن روزها من سخت آدم خوش‌بینی بودم، یکبار روایت و توضیفی خوش‌بینانه از مردم شهر نوشته بودم که در کلاس دانشکده خواندم در جلسه بعد دختری دانشجو (که هر کجا هست خدایا به‌سلامت دارش)

مطلبی نوشته بودم که به‌نوعی نقد نوشته من بود: در اینجا خانه‌ها سنگ و صاحب‌خانه‌ها چوب‌اند. در اینجا: تا چجان را ناشناسی مردمان خوب‌اند… و همین‌طوری‌هاا پیراهن من هم مثل پرندگان و ماهی دودی شد.

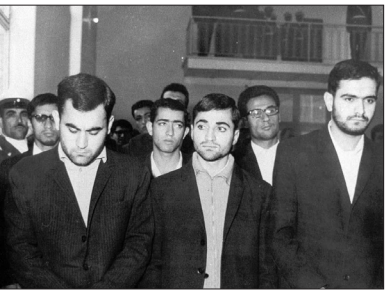
– راست گفته‌اند! آدم‌ها پیر که می‌شوند به خاطره گویی می‌افتند؟!
– بله، مثل کلاه سخنگو که هرچه پیرتر می‌شود شیطنت بیشتری را به نمایش می‌گذارد!
– خاطر‌های سپیدی دارید.

– درست است یکبار از دیوار سپیدی عکس گرفتم که روی آن نوشته‌شده بود این دیوار سپید، سپید نیست! یادم است در جوانی دلم می‌خواست اتاقی سپید، نماز‌خانه‌ای کوچک داشته باشم، میزی سپید با رومیزی سپید اما عقبه‌ها سیاه بودند و زمان نایستاد و آرزوهایمان دود زدند و به تیری گراییدند، سپیدها و سپیدی‌ها خاطره شدند و شدند رؤیای دوردست‌های دور.

– اما فقط یک ماشینی آپ‌باش بزرگ می‌خواهد! مگر نه می‌شود شهر را و خاطره‌ها را شست تا دوباره مثل روزهای اولش برق بزنند، سپید بشود، سپید سپید!
– شگفتا کدوگوارگیت جالب است و کودک درونت ساده

### طاقچه تاریخچه

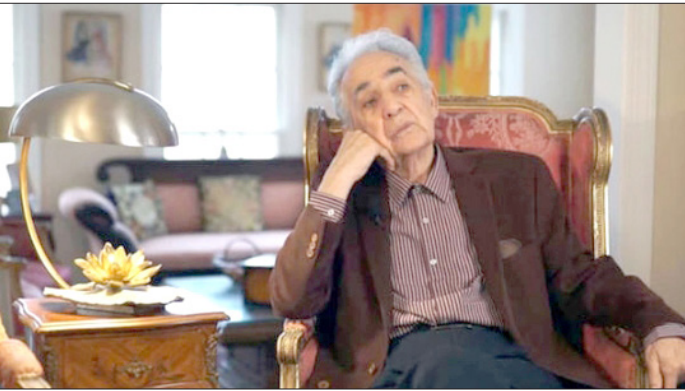
## اعلام خبر دستگیری اعضای حزب ملل اسلامی پس از سه ماه



حزب ملل اسلامی یکی از نخستین گروه‌های مبارز مسلمانی است که در مبارزه با حکومت پهلوی مثنی مسلحانه را برگزیده بود. حزب ملل در اسفند ۱۳۴۰ به رهبری سید محمدکاظم موسوی بجنوردی و با یاری کسانی چون ابوالقاسم مسعودی، سید زاده، محمدجواد حجتی کرمانی، سیدمحمد میرمحمد صادقی، سیدحسن طباطبایی، عباس دوزدوزانی، محمدکاظم سیفیان و سیداصغر قریشی پایه‌گذاری شد. این حزب عمدتاً از دانشجویان و دانش‌آموزان تشکیل‌شده بود و سن بیشتر اعضای آن به ۲۵سال نمی‌رسید. بجنوردی، رهبر حزب هنگام تأسیس حزب ملل اسلامی، ۱۹ساله بود. مؤسسان حزب ملل اسلامی در نخستین جلسه حزبی، برنامه‌ها و اهداف حزب را در زمینه‌های اقتصادی، قضایی، فرهنگی و سیاسی، در ۶۵ ماده تصویب کردند. براسدازی رژیم شاهنشاهی پهلوی و پایه‌گذاری حکومتی اسلامی، مهم‌ترین هدف بنیان‌گذاران این حزب بود. آن‌ها آرمان برقراری حکومتی واحد میان تمام کشورهای اسلامی را در سر داشتند. در رأس نمودار سازمانی حزب ملل، رهبر و کمیته مرکزی قرار داشت. کمیته مرکزی چند شبکه را هدایت می‌کرد، هر شبکه از دو گروه و دسته تشکیل می‌شد. هر دسته دارای دوشاخه بود و هر شاخه در ذیل خود دو واحد داشت. هر واحد با دو مدرسه در ارتباط بود و درنهایت در هر مدرسه چند کلاس حزبی وجود داشت.ارگان حزب ملل اسلامی، ماهنامه خلق بود که از بهمن ۱۳۴۳ تا زمان فروپاشی یعنی مهر ۱۳۴۴، در ۹ شماره چاپ و بین اعضا منتشر شد. پرچم سرخ‌رنگ با ستاره‌ای هشت پر در داخل یک دایره سفید، نشان حزب بود. حزب ملل اسلامی، پیش از آنکه فعالیت‌های نظامی و مبارزات مسلحانه خود را آغاز کند توسط شهربانی و ساواک کشف شد. شب بیستم مهر ۱۳۴۴، محمدباقر صنوبری یکی از اعضای حزب، در مأموریتی که برای عضوگیری به شهری رفته بود، هنگام بازگشت در اواخر شب مورد سوءظن مأموران شهربانی قرار گرفت و دستگیر شد و مورد بازرسی قرار گرفت. هنگامی که آن‌ها نشغول بررسی محتویات کیف‌دستی وی بودند، صنوبری در یک‌لحظه کیف را از دست آن‌ها کشیده و حین

### چهره

## «رحمان گلزار شبستری» چگونه شهرک اکباتان را ساخت؟



مهندس رحمان گلزار شبستری، زاده ۱۳۰۸ در تاشکند ازبکستان بود. او مهندس و معمار ساختمان‌سازی و مالک و سازنده و سرمایه‌گذار شهرک اکباتان، بزرگ‌ترین شهرک مسکونی ایران و خاورمیانه بود که در ۲۶ دی ۱۴۰۰ در فلوریدا، آمریکا درگذشت. رحمان گلزار بعد از فارغ‌التحصیلی از پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران وارد ساختمان‌سازی و شغل معماری شد. او به‌طور حرفه‌ای از سال ۱۳۳۲ به کار مهندسی و معماری مشغول بود. شاخص‌ترین و مشهورترین اثر او ساخت شهرک اکباتان در تهران است که گفته می‌شود که بزرگ‌ترین شهرک مسکونی ایران و خاورمیانه است. مرحوم رحمان گلزار شبستری سازنده شهرک اکباتان در شهر تاشکند ازبکستان به دنیا آمده بود و پس از اعلام رسمی دولت شوروی به ایران بازگشته و در شناسنامه، محل تولد وی را مشهد قید کردند. او پس‌ازآن به دارالفنون رفت و پس از فارغ‌التحصیلی به دلیل علاقه به معماری وارد پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. گلزار در خاطراتش می‌گوید: آن زمین‌ها متعلق به آقای نظام‌السلطنه مافی یکی از رجال قاجار که در پاریس زندگی می‌کرد بود. نظام‌السلطنه پیشکاری در ایران داشت که به کارهایش رسیدگی می‌کرد. قرار شد این پیشکار اجازه فروش زمین به ما را از نظام‌السلطنه بگیرد؛ اما او گفته بود که من باید حضوری با ایشان در پاریس صحبت کنم. دوستی داشتم به نام عباس مس‌فروش که برایش ویلای قشنگی

ساخته بودم. خیلی مشتری‌های بازاری را

او برآیم می‌آورد. همیشه به من می‌گفت هر کاری می‌خواهی کنی من برای سرمایه‌گذاری حاضرم. وقتی زمین‌ها را دیدم، به او گفتم که می‌خواهم شهرک‌سازی کنم و به او پیشنهاد دادم. آقای مس‌فروش به من گفت من «بیا برویم منزل یکی از شیوخ و استخاره کنیم برای شراکت»؛ استخاره کردیم و خوب آمد. ازآنجاکه آدمیم بیرون، آقای مس‌فروش یک چک ۵ میلیون به من داد و گفت من بتو شریکم. وقتی قرار شد پیش نظام‌السلطنه برویم. فقط همین ۵میلیون تومان را نقدی در برابر زمین‌لرزه تا ۹ ریشتر، فضای سبز بسیار گسترده، نورگیری کافی سازه، شوتینگ، ریزرهای اختصاصی، پله‌های ویژه فرار و ده‌ها استاندارد دیگر آمریکایی. اکباتان را توانمند

گفت: «این زمین برای تو. به پیشکارم می‌گویم

### موزه

## حاشیه‌های یک گروه فیلم‌ساز برای خانه سیمین و جلال



مدیر خانه‌موزه سیمین و جلال می‌گوید: به دلیل مخالفت با

حضور گروهی فیلم‌ساز در این خانه مطابق با مقررات و ضوابط، حالا آن گروه فیلم‌سازی جوسازی‌هایی را علیه خانه‌موزه سیمین و جلال راه انداخته است.

رضا توسلی با اشاره به «درخواست خارج از ضابطهٔ یک گروه فیلم‌ساز برای حضور در این خانه‌موزه با هدف ساخت فیلمی داستانی درباره سیمین دانشور و جلال آل‌احمد و جوسازی‌هایی که علیه این مجموعه، پس از مخالفت با حضور آن‌ها راه افتاد» ماجرا را این‌گونه شرح داد: یک گروه فیلم‌ساز از صداوسیما که قصد ساخت فیلمی داستانی درباره سیمین و جلال را داشت به این مجموعه مراجعه کرد و درخواست داشت در فضای داخلی این خانه، فیلش را بسازد. تأکید شد با توجه به ضوابط و مقررات

موجود، این اقدام ممنوع بوده؛ چراکه سبب تعطیلی موزه و آسیب‌رسانی خواهد شد. بنابراین با حضور آن‌ها در فضای داخلی خانه مخالفت کردیم. او یادآور شد: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در سال ۱۳۹۶ ضوابطی را تعیین کرده که مطابق آن، ساخت فیلم‌های داستانی و سینمایی در مجموعه‌های تاریخی و موزه‌ها ممنوع است. ما هم به این ضابطه استناد کردیم. توسلی ادامه داد: آن گروه فیلم‌ساز پس از مخالفت ما، سعی کرد از مبادی دیگری راه را تسهیل کند. به معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران مراجعه کردند که خوشبختانه با خردمندی این معاونت، در نامه‌ای خطاب به خانه‌موزه سیمین و جلال نوشته شد «طبق ضوابط اقدام شود.» هرچند این گروه فیلم‌سازی ابتدا

### کتاب

## «آغوش امن»، سومین اثر داستانی «نسبیا عظیمی»

نوشته‌شده‌اند. این کتاب هم به شیوهی روایت رئالیستی در ۱۴۴صفحه، نوشته به چاپ رسید. کتاب «آغوش امن»، که سومین اثر داستانی این نویسنده است، به ماجرای خواهر و برادری با نام‌های شهاب و شیرین می‌پردازد که در عین متفاوت بودن، به یکدیگر شباهت دارند و شیطنت‌های آن دو، جولانی را رقم می‌زند.
راوی داستان، شیرین است که بر مبنای ویژگی‌های اخلاقی خانواده و اتفاق‌های مهمی که پیش می‌آید، داستان را پیش می‌برد و این روایت به‌روزهای کرونا پیوند می‌خورد. عظیمی، که دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی است، پیش‌ازاین اثر، کتاب‌های «در چند ثانیه» و «نبضی برای زندگی» را نوشته و منتشر کرده بود. «در چند ثانیه» به شیوهی سیال ذهن و «نبضی برای زندگی» به شیوهی سورئال و ساعت‌ها محو خواندن خاطرآشان بودیم؛



## روزنامه‌نگاری

یکی بر سر گور گل می سرشت که حاصل کند زان گل گور خشت به اندیشه لختی فرو رفت پیر که ای نفس کوته نظر پند گیر چه بندی در این خشت زرین دلت که یک روز خشتی کند از گلت؟ طمع را نه چندان دهان است باز که بازش نشیند به یک لقمه از

### دوستی و بی‌دستی

**خواربار، خواه‌ناخواه، خواهی نخواهی:**

این ترکیب‌ها بدون «واو» به کار می‌روند. ترکیب‌های زیر نیز مانند ترکیب‌های یادشده بدون «واو» به کار می‌روند: سازگار (سزاز و کار نیز توجیه‌پذیر است و فراوان به کار می‌رود)، زادبوم، زادولد، غیرذکک (= جز این)، قوس قزح (= رنگین‌کمان) حیص بیص و دق‌دل.

## شاعران

**فک پلاک**



مژگان مسلمی

کارشناس حقوق

**فک پلاک** اتومبیل به‌تبع تنظیم سند رسمی انتقال، به نام خریدار قابل‌اعمال است چون پلاک خودرو جز لاینفک خودرو است، بنابراین طرح دعوی جداگانه فک پلاک اتومبیل قابل استماع نیست.

## مجاز‌ها

چرا وقتی به اونجایی از ترافیک میرسی که راه باز شده، هیچ علتی از ایجاد ترافیک نمی‌بینی؟

**(Masoud Nikoomanesh)**

به مدت هم خیلی جوگیر شده بودم برم باشگاه، گفتم باید مجیز برم که انگیزه داشته باشم. رفتم لباس و دستکش و میچند و کفش خریدم، بولم دیگه به ثبت نام باشگاه نرسید.

سبزه‌زمینی سرخ کرده خریدم، ۴۰ تومن، ۵۰ دادم، بقیه روندا. گفتم آقا بقیه‌اش چی؟ گفت ۵۰تومنه دیگه. گفتم آخه تو منو نوشتی ۴۰ تومن. با خودکار ۴۰ رو خط زد، نوشت ۵۰. عجیب شدن مردم) **(Mahraz)**
ادمیراد چندا موجود عجیبیه، مینهینه دوفر باهم خوبن، بحث نمیکنن، طولانی‌مدت باهم تو رابطه‌ن، ولی نمینهینه چقدر بحث کردن، دعوا کردن، جنگیدن، از خودگذشتگی و سازش کردن، از غرورشون گذشتن، صبر کردن، حرف زدن، قهر نکردن، قلق همدیگه رو یاد گرفتن و از هم نگذشتن تارسیندن به اینجا)) **(کنجد)**

### دقیق‌نویس

**دانشمندان در پی کشف اسرار لایه داخلی زمین**
محققان «موسسه فناوری فدرال زوریخ» در مطالعه اخیرشان اظهار کرده‌اند بخش داخلی زمین سریع‌تر از آنچه تصور می‌شد، در حال سرد شدن است. تکامل سیاره زمین را می‌توان با بررسی آن طی ۴٫۵میلیارد سال گذشته توصیف کرد. در طی میلیون‌ها سال، سطح سیاره سرد شد و پوسته‌ای شکننده را تشکیل داد. اگر چه بازم برخی از سؤالات مانند اینکه طی این مدت زمین با چه سرعتی سرد شده و اینکه چه مدت ممکن است طول بکشد تا این خنک شدن مداوم، فرآیندهای گرمایی ذکرشده را متوقف کند، همچنان بی‌پاسخ‌مانده است. «رسانندگی گرمایی» مواد معدنی می‌تواند پاسخ این سؤالات باشد. رسانندگی گرمایی در فیزیک خاصیتی از اجسام است که بیانگر توانایی آن‌ها در انتقال گرماست. این رسانندگی گرمایی مواد معدنی مرز بین هسته و گوشته زمین را تشکیل می‌دهد. این لایه‌مرزی مرتبط است زیرا اینجاست که سنگ چسبناک گوشته زمین در تماس مستقیم با گدازه داغ آهن نیکل هسته خارجی سیاره قرار می‌گیرد. به دلیل تند بودن گرادیان دما بین هر دو لایه، گرمای زیادی باید در اینجا جریان داشته باشد. این لایه‌مرزی از ماده معدنی بریگمانیت ساخته‌شده است.
باین‌حال، تخمین اینکه این ماده معدنی چه میزان گرما را از هسته زمین به گوشته هدایت می‌کند، دشوار است. اخیراً دانشمندان موسسه فناوری فدرال زوریخ یک سیستم اندازه‌گیری پیچیده ایجاد کرده‌اند که این سیستم آن‌ها را قادر می‌سازد رسانندگی گرمایی بریگمانیت را در آزمایشگاه و در شرایط فشار و دمایی که در داخل زمین حاکم است، اندازه‌گیری کنند. پروفیسور «موتوهیکو موراکامی» از موسسه فناوری فدرال زوریخ گفت: این سیستم اندازه‌گیری به ما اجازه می‌دهد تا نشان دهیم که از حدی است که تاکنون فرض شده است. جریان گرمای بیشتر به‌نوبه خود، سرعت جریان همرفت گوشته را افزایش می‌دهد و خنک شدن زمین را تسریع می‌کند. این امر ممکن است باعث شود که زمین‌ساخت صفحه‌ای یا تکتونیک صفحه‌ای که با حرکات همرفتی گوشته ادامه می‌یابد، سریع‌تر از آنچه محققان بر اساس مقادیر رانش گرمایی قبلی انتظار داشتند، کند شود. هم‌رفت گوشته زمین، خزش بسیار آهسته گوشته جامد سیلیکاتی زمین است که ناشی از جریان‌های همرفت حامل گرما از درون سیاره به سطح آن است. دانشمندان همچنین نشان داده‌اند که سرد شدن سریع گوشته باعث تغییر فازهای معدنی پایدار در مرز هسته و گوشته می‌شود. چراکه پس از سرد شدن، بریگمانیت به ماده معدنی پسا پروسکایت تبدیل می‌شود. پسا پروسکایت یک فاز فشار بالا از سیلیکات منیزیم(MgSiO۳) است. این ماده از ترکیب اجزا سازنده اکسید اصلی گوشته سنگی زمین(SiO۲ و MgO) تشکیل شده و فشار و درجه حرارت آن برای پایداری نشان می‌دهد که احتمالاً در قسمت‌هایی از اعماق زمین، چند صد کیلومتری گوشته زمین رخ می‌دهد.